



Analysis of the Evolution of Urban Sharing Economy Discourse Based on Fairclough's Three-Dimensional Model

Hafez Mahdnejad ^{*1}, Ahmad Samdaliri ²

1- Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Seyyed Jamaluddin Asadabadi University, Asadabad, Iran

2- Assistant Professor, Department of Agricultural Economics, Seyyed Jamaluddin Asadabadi University, Asadabad, Iran

Abstract: The sharing economy was initially introduced as a utopian and non-market solution for managing idle resources and promoting urban sustainability, but in practice, it has turned into an ideological battlefield and a tool for platform capitalism. The aim of this study is to critically analyze the evolution of the urban sharing economy discourse in dialectical interaction with dominant ideological shifts and to decode the hidden power dynamics in urban governance. The research method is qualitative, based on Critical Discourse Analysis (CDA) utilizing Fairclough's three-dimensional model (textual, discursive, and social practices). Purposive sampling included 20 fundamental academic and policy sources. Based on the findings, this discourse has undergone a non-linear evolution, passing through three phases: (1) the "utopia of the commons" (centered on community-based metaphors and trust), (2) "institutionalization and the smart city" (shifting towards access-based and technocratic metaphors), and (3) "platform capitalism" (dominated by metaphors of the extraction machine and the gig economy). In this evolutionary path, the emancipatory and human-centered promises of the first era have been appropriated under neoliberal hegemony, transforming into tools for data extraction, imposing the gig economy, and reproducing spatial inequalities in the platform society era. Consequently, based on the findings, sustainability or unsustainability is not an inherent characteristic, but rather depends on the prevailing political-economic structure and the urban governance model. In the absence of proactive regulation and algorithmic governance, it moves towards unsustainability and the reproduction of inequalities. However, by establishing regulatory institutions beyond the platform and supporting alternatives such as platform cooperatives, it can return to the principles of urban commons and urban sustainability. Urban planners, through supporting active governance and strict algorithmic regulation, can prevent the commodification of space.

Key Words: Urban Sharing Economy, Critical Discourse Analysis, Platform Capitalism, Urban Governance, Fairclough's Three-Dimensional Model, Urban Sustainability.

تحلیل تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری بر اساس الگوی سه بُعدی فرکلاف

حافظ مهدنژاد ^{۱*}، احمد سام دلیری ^۲

۱- دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سیدجمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران

۲- استادیار، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه سیدجمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹

چکیده

اقتصاد به اشتراک گذاشته شده در ابتدا به عنوان راهکاری آرمان شهری و غیربازاری برای مدیریت منابع راکد و ارتقای پایداری شهری مطرح شد، اما در عمل به یک میدان نبرد ایدئولوژیک و ابزاری برای سرمایه داری پلتفرمی تبدیل شده است. هدف این پژوهش تحلیل انتقادی سیر تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاری شده شهری در تعامل دیالکتیکی با چرخش های ایدئولوژیک غالب و رمزگشایی از پویایی های پنهان قدرت در حکمروایی شهری است. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی با بهره گیری از الگوی سه بُعدی فرکلاف (سطوح متنی، عمل گفتمانی و عمل اجتماعی) است. نمونه گیری به صورت هدفمند شامل ۲۰ منبع بنیادین دانشگاهی و سیاستی بود. بر اساس یافته های پژوهش، این گفتمان سیری غیرخطی را طی کرده و از سه دوره «آرمان شهر مشترکات» (با محوریت استعاره های اجتماع مینا و اعتماد)، «نهادگرایی و شهر هوشمند» (با چرخش به سمت استعاره های دسترسی مینا و تکنوکراتیک) و «سرمایه داری پلتفرمی» (با تسلط استعاره های ماشین استخراج و اقتصاد گیگ) عبور کرده است. در این سیر تحول، وعده های رهایی بخش و انسان محور دوران نخست تحت هژمونی نئولیبرال مصادره و به ابزاری برای استخراج داده، تحمیل اقتصاد گیگ و بازتولید نابرابری های فضایی در عصر جامعه پلتفرمی تبدیل شده اند. در نتیجه، بر اساس یافته ها، پایداری یا ناپایداری اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری مشخصه ذاتی آن نیست، بلکه از ساختار اقتصاد سیاسی مسلط و الگوی حکمروایی شهری تبعیت می کند. در صورت نبود تنظیم گری فعالانه و حکمروایی الگوریتمی، این اقتصاد به سمت ناپایداری و بازتولید نابرابری حرکت می کند. با وجود این، در صورت ایجاد نهادهای تنظیم کننده فراتر از پلتفرم و پشتیبانی از بدیل هایی از جمله تعاونی های پلتفرمی، این اقتصاد می تواند به اصول مشترکات شهری و پایداری شهری بازگردد. برنامه ریزان شهری از راه حمایت از حکمروایی فعال و تنظیم گری سخت گیرانه الگوریتم ها، می توانند از کالایی شدن فضا پیشگیری کنند.

واژه های کلیدی: اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری، تحلیل گفتمان انتقادی، سرمایه داری پلتفرمی، حکمروایی شهری، مدل سه بُعدی فرکلاف، پایداری

شهری.

* Corresponding Author: Hafez Mahdnejad

E-mail address: h.mahdnejad@sjau.ac.ir



2588-4867/ © 2026 University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

مقدمه

یکی از حوزه‌های کانونی برای پیشبرد تحولات پایدار شهری بهبود شیوه‌های مدیریت منابع است. شهرها منابعی بزرگ را انباشته کرده‌اند که بسیاری از آنها ظرفیت بیکاری زیادی دارند (Enochsson et al., 2021). اماکن، پارکینگ‌ها، اتومبیل‌ها، دوچرخه‌ها، ماشین‌های لباسشویی، ابزارها و حتی لباس‌ها در بیشتر طول عمر خود بدون استفاده می‌مانند (Frenken & Schor, 2017). بنابراین، ایده اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده (Mont, 2025) به عنوان یک راه‌حل بالقوه برای بسیاری از چالش‌های پایداری شهری برجسته شده است و راهی جدید برای توزیع منابع است که توسط پلتفرم‌های آنلاین تسهیل می‌شود که در آنها، به کالاهای متعلق به شهروندان و سازمان‌های شهری دسترسی موقت داده می‌شود (Daunoriente et al., 2015 Ertz & Leblanc-Proulx, 2018). اشتراک‌گذاری در سال‌های اخیر از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی (برای مثال، پلتفرم‌های دیجیتالی) محبوبیت پیدا کرده و اقتصاد اشتراکی را ممکن کرده است. این ایده به دلیل سهم بالقوه‌اش در فعالیت‌های اقتصادی آینده، «ایده‌ای که جهان را تغییر خواهد داد» نامیده شده است (Palm et al., 2019). اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شامل شیوه‌ها و صنایعی بسیار ناهمگن است که از اشتراک‌گذاری کالاها گرفته تا خدمات، مهارت‌ها و قابلیت‌ها، اشکال سازمانی از ابتکارات انتفاعی تا غیرانتفاعی و از پلتفرم‌های جهانی تا ابتکارات محلی و جامعه‌محور (Cao et al., 2023) را در بر می‌گیرد. از یک سو، اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده به عنوان یک مدل اقتصادی جدید (Ivanova et al., 2026) در نظر گرفته شده است که قادر به پیشبرد توسعه اقتصادی، تقویت انسجام اجتماعی، تحریک کارآفرینی نوآورانه و کاهش اثرات زیست‌محیطی (Chen et al., 2025) و حرکت به سمت یک اقتصاد اخلاقی‌تر است. از سوی دیگر، همچنین به عنوان نوعی از سرمایه‌داری پلتفرمی (Anttiroiko, 2026) در نظر گرفته شده است که الگوی اقتصادی ناپایدار فعلی را تقویت می‌کند و علتی بالقوه برای افزایش مصرف بیش از حد و مشکلات زیست‌محیطی مرتبط است (Barile et al., 2021).

با وجود آنکه اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری در ابتدا به عنوان راهکاری آرمان‌شهری و غیربازاری برای مدیریت منابع راکد و ارتقای پایداری شهری مطرح شد، در عمل به یک میدان نبرد

ایدئولوژیک تبدیل شده است؛ از این رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: «گفتمان اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری چگونه در تعامل دیالکتیکی با تحولات و چرخش‌های ایدئولوژیک غالب تحول پیدا کرده و بازنگری شده است؟». اهداف این پژوهش شامل تحلیل انتقادی سیر تحول این گفتمان بر اساس الگوی سه‌بعدی فرکلاف، رمزگشایی از پویایی‌های پنهان قدرت در حکمروایی شهری و ارائه مدل مفهومی این دگردیسی هستند. ضرورت انجام این پژوهش در آن نهفته است که با وجود گسترش ادبیات موضوع، سه شکاف اصلی در پژوهش‌های گذشته قابل شناسایی هستند. شکاف نخست آن است که پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر جنبه‌های اقتصادی (Sundararajan, 2016)، فنی (McLaren & Agyeman, 2015) و مصرف‌مبنا (Hamari et al., 2016) تأکید کرده‌اند؛ چنانچه از توجه به تعامل‌های دیالکتیکی بین چرخش‌های ایدئولوژیک و تحول‌های زبانی گفتمان غفلت کرده‌اند. شکاف دوم مربوط به این است که بیشتر پژوهش‌های موجود تحول‌های گفتمانی را به صورت خطی و تکاملی بررسی کرده‌اند (Mont et al., 2020; Frenken & Schor, 2017)؛ در حالی که بر اساس شواهد، سیر تحول آن به صورت دیالکتیکی و غیر خطی است. شکاف سوم در خصوص نبود یک چارچوب تحلیلی است که به طور هم‌زمان بتواند سطوح متنی (استعاره‌ها و دال‌ها)، گفتمانی (شبکه‌های بینامتنی) و اجتماعی (اقتصاد سیاسی فضا) را یکپارچه کند. بر همین اساس، ضرورت بهره‌گیری از الگوی سه‌بعدی فرکلاف (سطوح متنی، عمل گفتمانی و عمل اجتماعی) برای پوشش این شکاف سه‌لایه احساس می‌شود. از این رو، به منظور پرکردن این شکاف‌ها، پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه گرایش‌های انسان‌محورانه دوران نخست تحت هژمونی «سرمایه‌داری پلتفرمی» مصادره و به ابزارهایی برای گردآوری داده، تحمیل اقتصاد گیگ و بازتولید نابرابری‌های فضایی در دوران جامعه پلتفرمی تبدیل شده‌اند.

مفهوم نظری

چندین نظریه در تحول گفتمان اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری تأثیرگذار بوده‌اند. نظریه مشترکات شهر^۱ به ضوابط و قراردادهایی مشترک اشاره دارد که مشخصه تولید فضای شهری هستند (Charitonidou, 2022). تبلور نظریه مشترکات شهر در

قرار دارد (Bardhi & Eckhardt, 2012; De Jong et al., 2007; Peters & Manz, 2008). بُعد نوع شیء قابل دسترسی (عملکردی) تعیین می‌کند آیا شیء به دلیل ویژگی‌های فیزیکی یا تجربی‌اش قابل دسترسی است یا خیر. مصرف‌گرایی سیاسی مبتنی بر ترویج منافع ایدئولوژیک است که اساس این بُعد را تشکیل می‌دهد (Lundgren et al., 2022).

از دیگر نظریه‌های مطرح‌شده، سرمایه‌داری پلتفرمی است. سرمایه‌داری پلتفرمی به مجموعه‌ای از شیوه‌های جدید کار و ارزش‌آفرینی گفته می‌شود که به واسطه پلتفرم‌های دیجیتال به وجود آمده و از راه پیشرفت در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، الگوریتم‌های یادگیری ماشین، داده‌های کلان و تغییر در اولویت‌های و ترجیحات مصرف تشکیل شده است. در این الگو، پلتفرم‌ها به عنوان زیرساخت‌های واسطه‌ای عمل می‌کنند؛ به این معنا که ارزش و داده را از کاربران شهری گردآوری می‌کنند و در انحصار غول‌های فناوری قرار می‌دهند (Langley & Leyshon, 2017; Smicek, 2017). نظریه «سرمایه‌داری پلتفرمی» مجموعه‌ای پویا از شیوه‌های جدید کار را در بر می‌گیرد که توسط پلتفرم‌ها ایجاد شده‌اند و از طریق پیشرفت در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، تعدیل در شیوه‌ها و ترجیحات مصرف و تغییرات در نحوه درک کار ایجاد شده‌اند (Liang et al., 2022). سرمایه‌داری پلتفرمی در دل یک الگوی فناوری گسترده‌تر نهفته است که از پیشرفت‌ها در بیورژنیک (خلق مواد بیولوژیکی مصنوعی)، الگوریتم‌های یادگیری ماشین، هوش مصنوعی، فناوری نانو، رباتیک و تجزیه و تحلیل کلان‌داده‌ها پدید آمده است (Fumagalli, 2025). به تازگی، توجه پژوهشگران به اصطلاح «پارادوکس سود» مرتبط با سرمایه‌داری پلتفرمی معطوف شده است. این پارادوکس به این دلیل ایجاد می‌شود که با وجود گسترش کلان‌داده‌ها، الگوریتم‌ها و رایانش ابری، فناوری‌هایی که در ابتدا انتظار می‌رفت هزینه‌های معاملات را کاهش دهند و واسطه‌ها را حذف کنند، عملاً هزینه بازار را افزایش داده‌اند (Eckhout, 2021). از این رو، چارچوب نظری پژوهش بر سه رویکرد مکمل متشکل از نظریه مشترکات شهر، نظریه مصرف دسترسی مینا و نظریه سرمایه‌داری پلتفرمی استوار است. این سه نظریه به ترتیب ابعاد اجتماعی-نهادی، رفتاری-اقتصادی و فناورانه-اقتصاد سیاسی اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری را تبیین می‌کنند (شکل ۱).

ابتکارات مردمی در اجتماعات شهری نمود پیدا می‌کند. برای مثال، برخی از اجتماعات شهری خود را وقف حفظ فضاهاى سبز و تنوع زیستی در شهر کرده‌اند. آنها با ایجاد باغ‌های اجتماعی، ایجاد گروه‌های دوستدار پارک و تقویت کشاورزی شهری به این هدف دست می‌یابند. گروه‌هایی دیگر از ساکنان با بازگرداندن اقلام دورریخته شده پس از تعمیر به چرخه مصرف، مصرف منابع را به حداقل می‌رسانند و از این راه آنها را دوباره قابل استفاده می‌کنند (Polko, 2024). پایه‌های نظریه مشترکات شهر در تولیدات علمی گسترده الینور اوستروم منعکس شده است (Van Laerhoven & Ostrom, 2007). هسⁱⁱ (۲۰۰۸) نقشه‌ای از منابع مشترک جدید، از جمله منابع مشترک فرهنگی، منابع مشترک دانش، منابع مشترک محله و منابع مشترک زیرساخت‌ها را ترسیم کرد.

نظریه مصرف دسترسی میناⁱⁱⁱ از دیگر نظریه‌هایی است که در این حوزه از اهمیت زیادی برخوردار است. مصرف دسترسی مینا به الگویی از مصرف گفته می‌شود که بر مبنای آن، دسترسی موقت جایگزین مالکیت می‌شود؛ به این معنا که ارزش‌آفرینی در تملک نیست، بلکه در بهره‌گیری از ظرفیت مازاد منابع است (Bardhi & Eckhardt, 2012). این مفهوم به مثابه نخستین شکاف گفتمانی در حوزه اشتراک‌گذاری تلقی می‌شود؛ چنانچه استعاره دسترسی موقت به ظرفیت مازاد به جای مالکیت سستی مطرح شده است (Lundgren et al., 2022). به سخن بهتر، دسترسی مصرف مینا در بافت و محیط کالبدی شهر به گونه‌ای است که فضا خود به شیء قابل دسترس تبدیل می‌شود (Sankari, 2019). باردی و اکهارت^{iv} (۲۰۱۲) شش بُعد را برای نظریه مصرف دسترسی مینا پیشنهاد کرده‌اند. این ابعاد متشکل از زمان‌مندی، ناشناس بودن، واسطه‌گری بازار، مشارکت مصرف‌کننده، نوع شیء مورد دسترسی و در نهایت مصرف‌گرایی سیاسی هستند. زمان‌مندی (دسترسی) به فراوانی دسترسی مربوط می‌شود. بُعد ناشناس بودن مکانی از صمیمیت تا صمیمیت کمتر در رابطه با نزدیکی به کاربران نهایی متغیر است. در بُعد میانجی‌گری بازار، بین سودآوری و غیرانتفاعی تمایز قائل می‌شوند. در زمینه مکانی، سانکاری^v (۲۰۱۹) مدل‌های کسب‌وکار اشتراکی را توسعه داده و آنها را به غیرانتفاعی (دفاتر عمومی، مکان‌های سوم و مراکز همکاری) و انتفاعی (هتل‌های اشتراکی، مراکز رشد و استودیوهای مشترک) تقسیم کرده است. بُعد مشارکت مصرف‌کننده به سطح ارائه خدمات مربوط می‌شود که در یک طرف آن خدمات کامل و در سوی دیگر آن سلف سرویس



شکل ۱- چارچوب نظری پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

مطالعه بنکر^{vi} (۲۰۰۴) از جمله نخستین پژوهش‌هایی است که در حوزه اشتراک‌گذاری انجام شده است و به عنوان نقطه آغاز گفتمان به اشتراک‌گذاری اجتماعی شناخته می‌شود. بلک^{vi} (۲۰۱۰) اقدام به تمایز مفهومی به اشتراک‌گذاشته‌شده از شبه به اشتراک‌گذاشته‌شده کرده است. باتسمن و راجرز^{vii} (۲۰۱۰) گفتمان به اشتراک‌گذاری را از دیدگاه عمومی و تجاری بررسی کرده‌اند. گانسی^{ix} (۲۰۱۰) مفهوم به اشتراک‌گذاری را وارد مدل کسب‌وکار کرده است. باردی و اکهارت^x (۲۰۱۲) اولین شکاف گفتمانی را در حوزه به اشتراک‌گذاری مطرح و «دسترسی» را جایگزین «به اشتراک‌گذاری» کرده‌اند. مک‌لارن و آگیمین^x (۲۰۱۵) به اشتراک‌گذاری را بسط داده و آن را وارد حکمروایی شهری کرده‌اند. هاماری^{xi} (۲۰۱۶) گفتمان به اشتراک‌گذاری را از دیدگاه انگیزه کاربران تحلیل کرده است. دیویدسون و اینفرانکا^{xi} (۲۰۱۶) ابعاد فضایی و شهری گفتمان به اشتراک‌گذاری را پررنگ کرده‌اند. کداگونه و مارتنز^{xii} (۲۰۱۶) ابهام مفهومی و تنظیم‌گری را ارائه و مطرح کرده‌اند. کوهن و مونوز^{xiv} (۲۰۱۶) گفتمان شهر به اشتراک‌گذاشته‌شده را بسط و توسعه داده‌اند. مارتین^{xv} (۲۰۱۶) اولین نقد جدی را نسبت به گفتمان آرمان‌گرایانه به اشتراک‌گذاری مطرح کرده است. سوندارا راجان^{xvi} (۲۰۱۶) از سرمایه‌داری مبتنی بر جمعیت در این حوزه دفاع کرده است. شولز^{xvii} (۲۰۱۶) مفهوم تعاونی‌های پلتفرمی را وارد گفتمان به اشتراک‌گذاری کرده است. آکوئر^{xviii} و همکاران^{xix} (۲۰۱۷) پارادوکس‌های اقتصاد به اشتراک‌گذاشته‌شده را نظام‌مند کرده‌اند. فرنکن و شور^{xx} (۲۰۱۷) قلمروهای مفهومی اقتصاد به اشتراک‌گذاشته‌شده را بازتعریف کرده‌اند. سرنیچک^{xx} (۲۰۱۷) اقتصاد به اشتراک‌گذاشته‌شده را در چارچوب سرمایه‌داری پلتفرمی تحلیل کرده است. ون دایک و همکاران^{xxi} (۲۰۱۸) از زاویه‌ای دیگر به این گفتمان نگرسته و جامعه پلتفرمی و ارزش‌های عمومی را وارد حوزه گفتمان به اشتراک‌گذاری کرده‌اند. زوولسکا^{xxii} و همکاران^{xxiii} (۲۰۱۹) تغییرات نهادی را در حوزه گفتمان به اشتراک‌گذاری بررسی کرده‌اند. مونت^{xxiii} و همکاران^{xxiv} (۲۰۲۰) اقدام به انسجام‌بخشی و یکپارچه‌کردن چهار حوزه اصلی به اشتراک‌گذاری مشتمل بر مفهوم، کاربر، کسب‌وکار و حکمرانی کرده‌اند. شور و والاس^{xxv} (۲۰۲۱) تحولات صورت‌گرفته در گفتمان به اشتراک‌گذاری را جمع‌بندی و تحولات این گفتمان از آرمان تا واقعیت را نقد کرده‌اند (جدول ۱).

مطالعه بنکر^{vi} (۲۰۰۴) از جمله نخستین پژوهش‌هایی است که در حوزه اشتراک‌گذاری انجام شده است و به عنوان نقطه آغاز گفتمان به اشتراک‌گذاری اجتماعی شناخته می‌شود. بلک^{vi} (۲۰۱۰) اقدام به تمایز مفهومی به اشتراک‌گذاشته‌شده از شبه به اشتراک‌گذاشته‌شده کرده است. باتسمن و راجرز^{vii} (۲۰۱۰) گفتمان به اشتراک‌گذاری را از دیدگاه عمومی و تجاری بررسی کرده‌اند. گانسی^{ix} (۲۰۱۰) مفهوم به اشتراک‌گذاری را وارد مدل کسب‌وکار کرده است. باردی و اکهارت^x (۲۰۱۲) اولین شکاف گفتمانی را در حوزه به اشتراک‌گذاری مطرح و «دسترسی» را جایگزین «به اشتراک‌گذاری» کرده‌اند. مک‌لارن و آگیمین^x (۲۰۱۵) به اشتراک‌گذاری را بسط داده و آن را وارد حکمروایی شهری کرده‌اند. هاماری^{xi} (۲۰۱۶) گفتمان به اشتراک‌گذاری را از دیدگاه انگیزه کاربران تحلیل کرده است. دیویدسون و اینفرانکا^{xi} (۲۰۱۶) ابعاد فضایی و شهری گفتمان به اشتراک‌گذاری را پررنگ کرده‌اند. کداگونه و مارتنز^{xii} (۲۰۱۶) ابهام مفهومی و تنظیم‌گری را ارائه و مطرح کرده‌اند. کوهن و مونوز^{xiv} (۲۰۱۶) گفتمان شهر به اشتراک‌گذاشته‌شده را بسط و توسعه داده‌اند. مارتین^{xv} (۲۰۱۶) اولین نقد جدی را نسبت به گفتمان

جدول ۱- روند تحول مفهومی و گفتمانی اقتصاد به اشتراک گذاشته شده در پیشینه پژوهش

پژوهشگر (سال)	مفهوم یا ایده محوری	نقش در تحول گفتمان
بنکر (۲۰۰۴)	به اشتراک گذاری اجتماعی	شکل دادن به گفتمان اولیه به اشتراک گذاری
بلک (۲۰۱۰)	تمایز به اشتراک گذاری و شبه به اشتراک گذاری	تبیین مفهومی گفتمان به اشتراک گذاری
باتسمن و راجرز (۲۰۱۰)	مصرف به اشتراک گذاشته شده	عمومی سازی گفتمان به اشتراک گذاری
گانسکی (۲۰۱۰)	اقتصاد شبکه‌ای	بسط گفتمان به حوزه به اشتراک گذاری
باردی و اکهارت (۲۰۱۲)	مصرف دسترسی مینا	تغییر گفتمان به سمت دسترسی
مکلارن و آگیمن (۲۰۱۵)	شهرهای به اشتراک گذاشته شده	ارتباط گفتمان با حکمروایی شهری
هاماری و همکاران (۲۰۱۶)	انگیزه مشارکت	تبیین رفتار کاربران
دیویدسون و ایفرانکا (۲۰۱۶)	اقتصاد به اشتراک گذاشته شده	فضامندسازی گفتمان به اشتراک گذاری
کداگونه و مارتنز (۲۰۱۶)	تنظیم گری	تبیین چالش‌های نهادهای به اشتراک گذاری
کوهن و مونوز (۲۰۱۶)	شهرهای به اشتراک گذاشته شده	توسعه چارچوب شهری
مارتین (۲۰۱۶)	نقد اقتصاد به اشتراک گذاشته شده	آغاز رویکرد انتقادی به اشتراک گذاشته شده
سوندارا راجان (۲۰۱۶)	سرمایه داری مبتنی بر جمعیت	بازتعریف گفتمان به اشتراک گذاری
شولز (۲۰۱۶)	ورود تعاونی‌های پلتفرمی به گفتمان	ارائه گفتمان بدیل
آکثر و همکاران (۲۰۱۷)	پارادوکس‌های اقتصاد به اشتراک گذاشته شده	نظام‌مندسازی پارادوکس‌های به اشتراک گذاری
فرنکن و شور (۲۰۱۷)	بازتعریف مفهومی به اشتراک گذاری	تعیین مرزهای گفتمان به اشتراک گذاری
سرنیچک (۲۰۱۷)	سرمایه داری پلتفرمی	نقد ساختار قدرت
ون دایک و همکاران (۲۰۱۸)	جامعه پلتفرمی	تأکید بر ارزش‌های عمومی
زوولسکا و همکاران (۲۰۱۹)	تغییرات نهادی	تبیین تحول نهادی
مونت و همکاران (۲۰۲۰)	یکپارچه سازی گفتمان به اشتراک گذاری	انسجام بخشی گفتمان
شور و والاس (۲۰۲۱)	بررسی و تحلیل گفتمان از آرمان تا واقعیت	جمع بندی و نقد گفتمان به اشتراک گذاری

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، جزو پژوهش‌های بنیادی به حساب می‌آید و از لحاظ ماهیت، کیفی است. روش این پژوهش مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی^{xxv} و با پیروی از چارچوب سه بعدی فرکلاف^{xxvi} (متنی، گفتمانی، اجتماعی) انجام شده است. علت استفاده از چارچوب سه بعدی فرکلاف آن است که توانایی تحلیل هم‌زمان متن، زمینه تولید متن و ساختارهای اجتماعی آن را دارد؛ زیرا گفتمان فقط به مجموعه‌ای از متون یا واژگان اطلاق نمی‌شود، بلکه به مثابه کنش اجتماعی است که از راه تعامل میان متن، فرایندهای تولید متن و زمینه‌های جغرافیایی، اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایجاد می‌شود. از این رو، توانایی تحلیل تحولات مفهومی، ایدئولوژیک و سیاستی را دارد و در نتیجه، روشی مناسب برای تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری تلقی می‌شود. واحد تحلیل در پژوهش حاضر متن است. واحد ثبت مفهوم، گزاره، استعاره، واژه کلیدی یا دال مرکزی است. همچنین، واحد زمینه کتاب، مقاله و اسناد است. متناسب با هدف پژوهش در خصوص تحلیل گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری، نمونه‌گیری به صورت هدفمند^{xxvii}

انجام شده است. حجم نمونه متشکل از ۲۰ منبع بنیادین در دو حوزه دانشگاهی (۱۶ منبع مربوط به مقاله‌ها و کتاب‌ها) و سیاستی (۴ سند با رویکرد سیاست‌گذاری و حکمروایی) است. منابع انتخاب شده در بازه زمانی ۲۰۰۴-۲۰۲۱ هستند. تعیین حجم نمونه بر مبنای منطق اشباع نظری در روش‌شناسی کیفی و تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفته است. در تحلیل گفتمان، واحد تحلیل «متن» است. همچنین، واحد ثبت «مفهوم»، گزاره، استعاره، واژه کلیدی یا دال مرکزی^۱ است. بنابراین، معیار کفایت نمونه تعداد متون یا منابع نیست، بلکه معیار اصلی پوشش کامل زنجیره معنایی و دگرگینی-های گفتمانی است. پنج معیار برای انتخاب منابع پژوهش در نظر گرفته شده‌اند که عبارت‌اند از: نخست، مرجع بودن مقاله، کتاب یا اسناد در زمینه اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری و همین‌طور تعداد زیاد استناد به آن؛ دوم، نقش بارز در بازتعریف مفاهیم و مؤلفه‌های اصلی موضوع پژوهش؛ سوم، منتشر شده توسط ناشران معتبر یا مجله‌های نمایه شده در پایگاه‌های علمی از جمله وب‌آوساینس^{xxviii} و اسکوپوس^{xxix}؛ چهارم، یکی از مراحل تحول مفهومی اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری را نمایندگی می‌کند؛ پنجم، تأثیرگذاری منبع بر تحول نظری و سیاستی اقتصاد

به انتخاب متون زمینه را برای مقایسه تطبیقی تحول مفهومی با تحول سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فراهم می‌کند (جدول ۲).

به اشتراک گذاشته شده شهری. در واقع، مبنا بر استفاده از منابع مرجع و آثاری است که به مثابه نقاط عطف گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری به حساب می‌آیند. این نگرش ترکیبی

جدول ۲- چارچوب تحلیلی پژوهش بر اساس الگوی سه‌بعدی فرکلاف

سطح تحلیل	پرسش پژوهش	خروجی مورد انتظار
متنی	واژگان، استعاره‌ها و دال‌های مرکزی چگونه تشکیل می‌شوند؟	استخراج دال‌های مرکزی، مفاهیم و الگوهای زبانی
عمل گفتمانی	چگونه این مفاهیم در ادبیات علمی، تولید، بازتولید و تثبیت شده‌اند؟	شناسایی الگوهای گفتمانی و تحول‌های مفهومی
عمل اجتماعی	این گفتمان چه تحول‌های اجتماعی، اقتصادی، فناورانه و نهادی را منعکس می‌کنند؟	تبیین تحول گفتمان و روابط آن با قدرت، حکمروایی و سیاست‌گذاری

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

سطوح متنی، گفتمانی و اجتماعی حاصل نشد. این وضعیت نشانگر اشباع نظری است؛ زیرا اشباع نظری در روش‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی زمانی صورت می‌گیرد که اضافه کردن متن جدید موجب شناسایی الگوهای زبانی، استعاره‌ای یا دال مرکزی جدیدی نشود و به تبع آن، زنجیره بینامتنی گفتمان به طور کامل نمایان شود. افزون بر این، بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۱ نیز ابعاد موضوع را پوشش می‌دهد؛ زیرا نقطه آغاز این گفتمان بنکسر (۲۰۰۴) است و جامع‌ترین جمع‌بندی انتقادی مربوط به شور و والاس (۲۰۲۱) است. از این رو، دامنه منابع چرخه کامل گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری از پیدایش تا بلوغ و نقد را پوشش داده است (جدول ۳).

در رابطه با فرایند اشباع نظری، ابتدا منابع پژوهش به طور عمیق مطالعه شدند و نسبت به استخراج مفاهیم، استعاره‌ها، واژگان کلیدی و دال‌های مرکزی اقدام شد. سپس، در مرحله کدگذاری باز، به طبقه‌بندی مفاهیم مشابه تحت مضامین محوری مبادرت شد. فرایند تحلیل تداوم یافت تا آنکه پس از منبع بیستم (Schor & Vallas, 2021)، مفهوم، استعاره شناختی متمایز و دال مرکزی جدیدی یافت نشد. به سخن بهتر، کدهای باز استخراجی تحت مضامین محوری شناسایی شده از متون (متشکل از سه دوره آرمان-شهر مشترکات، نهادگرایی و شهر هوشمند و سرمایه‌داری پلتفرمی) قابل طبقه‌بندی بودند. در نتیجه، شکاف تازه یا گفتمانی جدید در

جدول ۳- تخصیص منابع به سطوح تحلیل فرکلاف

ردیف	نوع منبع	پژوهشگر (سال)	سطح متنی	سطح عمل گفتمانی	سطح عمل اجتماعی	محور موضوعی	نمونه‌های متنی و استعاره‌ای مستخرج از منبع
۱	دانشگاهی	بنکسر (۲۰۰۴)	✓		✓	ظهور به اشتراک‌گذاری و کالاهای به اشتراک گذاشته شده	دال مرکزی: «کالاهای به اشتراک گذاشته شده». استعاره شناختی: «اشتراک‌گذاری به مثابه شیوه تولید اقتصادی»؛ استعاره‌ای که اشتراک‌گذاری را در تقابل با «بازار» و «سلسله مراتب» قرار می‌دهد و نقطه آغاز گفتمان آرمان‌شهری است.
۲	دانشگاهی	بلک (۲۰۱۰)	✓		✓	مصرف به اشتراک گذاشته شده و دسترسی برابر به مالکیت	دال مرکزی: «احساس به اشتراک گذاشته شده» و «شبه اشتراک‌گذاری». استعاره شناختی: «اشتراک‌گذاری به مثابه پدیده اجتماعی-روان شناختی»؛ تأکید بر مرزبندی میان اشتراک‌گذاری واقعی (احساسی و اجتماعی) در برابر

							شبه اشتراک گذاری (تجاری)
۳	دانشگاهی	باتسمن و راجرز (۲۰۱۰)	✓	✓		پیدایش مصرف به اشتراک گذاشته شده	دال مرکزی: «مصرف مشارکتی». استعاره: «آنچه مال من است، مال تو نیز هست.
۴	سیاستی	گانسکی (۲۰۱۰)	✓	✓		اقتصاد به اشتراک گذاشته شده به مثابه آینده کسب و کارها	دال مرکزی: «اقتصاد شبکه‌ای». استعاره: اقتصاد مبتنی بر تاروپود به هم تنیده.
۵	دانشگاهی	باردی و اکهارت (۲۰۱۲)	✓		✓	دسترسی و تحرک به اشتراک گذاشته شده	دال مرکزی: «مصرف دسترسی مینا». استعاره شناختی: «جایگزینی دسترسی به جای مالکیت»؛ این منبع اولین شکاف گفتمانی را ایجاد و استعاره «دسترسی موقت» را جایگزین مالکیت سنتی می‌کند.
۶	دانشگاهی	مکلارن و آگین (۲۰۱۵)	✓	✓	✓	طراحی به اشتراک گذاشته شده هوشمند؛ مانیفست و چارچوب راهبردی برای سیاست‌گذاران شهری	دال مرکزی: «شهرهای به اشتراک گذاشته شده». استعاره: «شهر به مثابه سرویس» و «هم‌افزایی هوشمند»
۷	سیاستی	دیویدسون و اینفرانکا (۲۰۱۶)	✓		✓	اقتصاد به اشتراک گذاشته شده و چالش‌های حقوقی و مقرراتی	دال مرکزی: «پدیده شهری». استعاره شناختی: «فضامندسازی گفتمان»؛ طرح اقتصاد اشتراکی به مثابه یک «چالش حقوقی و مقرراتی» که با مقررات سنتی شهرها در تضاد است.
۸	سیاستی	شولز (۲۰۱۶)	✓	✓	✓	پلتفرم تعاونی و چالش‌های اقتصاد به اشتراک گذاشته شده	دال مرکزی: «تعاونی‌گرایی پلتفرمی». استعاره شناختی: «پلتفرم به مثابه ابزار مشترک و بدیل»؛ استعاره‌ای انتقادی در برابر مصادره ارزش‌های اشتراک‌گذاری توسط شرکت‌های بزرگ فناوری
۹	دانشگاهی	مارتین (۲۰۱۶)	✓	✓	✓	اقتصاد به اشتراک گذاشته شده و توسعه پایدار با محوریت رویکردی انتقادی	دال مرکزی: «کابوس سرمایه‌داری نئولیبرال». استعاره شناختی: «اقتصاد اشتراکی به مثابه کابوس»؛ در تقابل با آرمان «شهر پایدار»؛ این منبع نشان می‌دهد چگونه خدمات عمومی شهری دچار «کالایی‌سازی» شده‌اند.
۱۰	دانشگاهی	سوندارا راجان (۲۰۱۶)	✓	✓	✓	اقتصاد به اشتراک گذاشته شده و ظهور سرمایه‌داری مبتنی بر جمعیت	دال مرکزی: «سرمایه‌داری مبتنی بر جمعیت». استعاره شناختی: «بازار عظیم بدون اصطکاک»؛ استعاره‌ای که در آن منطق بازار بر فضای شهری مسلط می‌شود و شهروند به «کارگر گیگ» تقلیل می‌یابد.
۱۱	دانشگاهی	هاماری و همکاران (۲۰۱۶)	✓		✓	اقتصاد به اشتراک گذاشته شده، مصرف مشارکتی مردم	دال مرکزی: «انگیزه مشارکت». استعاره شناختی: «شهروند به مثابه کنشگر اجتماعی-محیط‌زیستی»؛ تأکید بر اینکه ارزش‌های اجتماعی

							و محیط‌زیستی بر انگیزه‌های اولیه و صرفاً اقتصادی کاربران غلبه دارند.
۱۲	سیاستی	کداگونه و مارتنز (۲۰۱۶)	✓	✓		اسناد سیاستی اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده در اروپا	دال مرکزی: «حدگذاری اقتصاد اشتراکی». استعاره شناختی: «اقتصاد اشتراکی به مثابه فرصت رشد اقتصادی»؛ سندی سیاستی که به جای طرح موضوع به عنوان چالش حقوقی، گفت‌وگو نئولیبرال و بازارمحور را در سطح اروپا تثبیت می‌کند.
۱۳	دانشگاهی	کوهن و مونوز (۲۰۱۶)	✓	✓	✓	شهرهای به‌اشتراک گذاشته‌شده و چارچوب یکپارچه مصرف و تولید پایدار	دال مرکزی: «چارچوب یکپارچه». استعاره شناختی: «شهر به مثابه فضای هم‌افزایی برای مصرف و تولید پایدار»؛ تلاش برای پیوند زدن حکمروایی شهری به اهداف پایداری
۱۴	دانشگاهی	فرنکن و شور (۲۰۱۷)	✓	✓	✓	چشم‌انداز اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده	دال مرکزی: «بازترسیم مرزهای گفت‌وگویی». استعاره شناختی: «اشتراک‌گذاری واقعی در برابر اقتصاد گیگ»؛ تفکیک «دسترسی موقت به ظرفیت مازاد» (اشتراک واقعی) از پلتفرم‌هایی که صرفاً «واسطه‌های بازار» (مانند اوبر) هستند.
۱۵	دانشگاهی	آکوئر و همکاران (۲۰۱۷)	✓	✓	✓	یک چارچوب سازمان‌دهی برای وعده‌ها و تناقض‌های اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده	دال مرکزی: «وعده‌ها و تناقض‌ها». استعاره شناختی: «میدان تناقض‌های ذاتی»؛ رمزگشایی از اینکه چگونه پارادوکس‌های این اقتصاد به بازتولید نابرابری‌های فضایی در شهرها منجر می‌شوند.
۱۶	دانشگاهی	سرنیچک (۲۰۱۷)	✓	✓	✓	سرمایه‌داری پلتفرمی	دال مرکزی: «سرمایه‌داری پلتفرمی». استعاره شناختی: «پلتفرم به مثابه ماشین استخراج»؛ پلتفرم‌ها به عنوان زیرساخت‌های واسطه‌ای تصویر می‌شوند که ارزش و داده را از کاربران شهری استخراج و در انحصار شرکت‌های بزرگ متمرکز می‌کنند.
۱۷	دانشگاهی	ون دایک و همکاران (۲۰۱۸)	✓	✓	✓	جامعه پلتفرمی	دال مرکزی: «جامعه پلتفرمی». استعاره شناختی: «شهروند به مثابه تولیدکننده رایگان داده»؛ منطقی داده‌مبنا که ارزش‌های عمومی، عدالت فضایی و دسترسی همگانی را به شدت تهدید می‌کند.
۱۸	دانشگاهی	زوولسکا و همکاران (۲۰۱۹)	✓	✓		کار نهادی و نحوه خلق یا اختلال در نهادها توسط	دال مرکزی: «کار نهادی». استعاره شناختی: «سازمان‌های اشتراکی به

							سازمان های به اشتراک گذاشته شده	مثابه عامل اختلال گر؛ سازمان هایی که با نهادهای موجود منطبق نمی شوند، بلکه به دنبال «تغییر قواعد بازی» در فضای شهری و مختل کردن نهادهای سنتی مدیریت شهری هستند.
۱۹	دانشگاهی	مونت و همکاران (۲۰۲۰)	✓	✓	✓	✓	مفاهیم، کاربران، دیدگاه - های کسب و کار و حکمرمایی اقتصاد به اشتراک گذاشته شده	دال مرکزی: «حکمرمایی». استعاره شناختی: «گذار از تسهیل گری منفعل به تنظیم گری سخت گیرانه»؛ نشان دهنده تحول الگوی حکمرمایی شهرها در مواجهه با انحصار پلتفرم ها
۲۰	دانشگاهی	شور و والاس (۲۰۲۱)	✓	✓	✓	✓	تکامل اقتصاد به اشتراک گذاشته شده، کار و نقدهای اجتماعی	دال مرکزی: «تقابل وعده و واقعیت». استعاره شناختی: «وعده های رهایی بخش به مثابه سراب»؛ تقابل دموکراتیزه کردن فضا (وعده های دوره اول) با واقعیت های تلخ دوره سوم شامل «تبعیض الگوریتمی»، «بی امنیتی شغلی» و «تمرکز ثروت».

(منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۵)

است. در مرحله نخست، منابع پژوهش مطالعه شدند و در این مرحله، به استخراج مفاهیم، واژگان کلیدی، استعاره ها، دال های مرکزی و گزاره های تکرار شونده اقدام شده است. در مرحله دوم، به کدگذاری باز مبادرت شده است و مفاهیم مشابه به صورت مضامین محوری طبقه بندی شده اند. در مرحله سوم، بر اساس الگوی سه سطحی فرکلاف، به تحلیل متون بر مبنای سطوح متنی، گفتمانی و اجتماعی اقدام شده است، با این هدف که نحوه شکل گیری، بازتولید و تغییر معانی مشخص شود. در مرحله چهارم، به تحلیل تطبیقی نتایج حاصل از تحلیل متون اقدام شده است تا به این وسیله، روند تاریخی تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری تبیین شود و دوره های متمایز این تحول مشخص شوند. در این مرحله، به تحلیل تحول و تغییر در مفاهیم مرکزی، بازیگران اصلی، روابط قدرت، رویکردهای سیاستی و پیامدهای شهری مبادرت شده است. در نهایت، مدل مفهومی تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری ارائه شده است.

بحث و یافته ها

یافته های تحلیل گفتمان انتقادی تحول اقتصاد

به اشتراک گذاری شده شهری

تحلیل گفتمان انتقادی بر مبنای الگوی سه بعدی فرکلاف طی چهار مرحله صورت گرفت. این چهار مرحله عبارت اند از:

پژوهش حاضر نشان می دهد چگونه مکانیسم های تاریخی، زبانی و ایدئولوژیک روایت های دیالکتیکی را شکل می دهند (Fairclough, 2013). در سال های اخیر، تحلیل گفتمان توسط دانشگاهیان به عنوان روشی برای درک فرایند اجرای سیاست شهری، به ویژه روش های اعمال قدرت توسط بازیگران کلیدی، به کار گرفته شده است (Jacobs, 2006). تحلیل گفتمان انتقادی، نقش زبان را در مشروعیت بخشی یا به چالش کشیدن ساختارهای قدرت فضایی آشکار می کند (Dehghan & Dadashpoor, 2026). فرکلاف گفتمان را به عنوان یک میدان نبرد ایدئولوژیک در نظر می گیرد؛ جایی که واقعیت های اجتماعی از طریق مبارزات بینامتنی ساخته می شوند (Fairclough, 2013). با گسترش این رویکرد، پژوهش حاضر تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری در متون دانشگاهی و سیاستی را تحلیل می کند و ابزاری برای رمزگشایی از پویایی های پنهان قدرت در اقتصاد شهری و حکمرمایی شهری ارائه می دهد. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: «گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری چگونه در تعامل دیالکتیکی با تحولات و چرخش های ایدئولوژیک غالب تحول پیدا کرده و بازنگری شده است؟». برای پاسخ دادن به این پرسش، روش پژوهش به شرح زیر ساختار یافته است:

فرایند تحلیل داده های پژوهش در چهار مرحله صورت گرفته

شناسایی مفاهیم و دال‌های مرکزی؛ کدگذاری باز و دسته‌بندی مضمون‌های محوری؛ تحلیل سه‌سطحی منابع پژوهش؛ و در نهایت، تحلیل تطبیقی سیر تحول گفتمان اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، سیر تحول گفتمان اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری به صورت خطی و تکاملی نیست، بلکه به مثابه یک میدان نبرد ایدئولوژیک است. در این میدان نبرد، مفاهیم از راه تعامل دیالکتیکی میان متن، فرایندهای تولید و بافت اجتماعی-اقتصادی شهر، دچار تحول شده‌اند. بر این اساس، در ادامه، یافته‌ها در سه بخش مجزا و در عین حال، دارای ارتباط با هم ارائه می‌شوند و در نهایت، به تحلیل تطبیقی سیر گفتمان و ارائه مدل مفهومی گفتمان تحول اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری اقدام می‌شود.

سطح نخست: تحلیل متنی: شناسایی و استخراج استعاره‌های شناختی، زبانی و دال‌های مرکزی

در سطح متنی، از راه واژگان، استعاره‌های شناختی، زبانی و دال‌های مرکزی بر چگونگی صورت‌بندی مفاهیم تمرکز می‌شوند. بر مبنای تحلیل متنی، زبان منابع نه فقط بیانگر واقعیت فضای شهری است، بلکه در مقام یک کنشگر، واقعیت را می‌سازد، و در همین راستا، مرزهای مشترکات شهری را بازتعریف می‌کند. بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش، استعاره‌های متون سه مرحله تکاملی را طی کرده‌اند؛ به این معنا که در مرحله نخست، استعاره‌های اجتماع‌مبنا و غیربازاری رواج بیشتری دارند. در مرحله

دوم، استعاره‌های تکنوکراتیک و دسترسی‌مبنا تسلط بیشتری دارند. در مرحله سوم، فضا به سمت تسلط استعاره‌های پلتفرمی حرکت کرده است. بنابراین، مسیر تحول از استعاره‌های اجتماع‌مبنا به استعاره‌های پلتفرمی بوده است. در نتیجه، این تحول نشانگر آن است که رژیم معنایی اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری از انسجام و یکپارچگی به سمت کالایی‌سازی حرکت کرده است. **جدول (۴)** سیر تحول دال‌های مرکزی و استعاره‌های شناختی اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری را منعکس کرده است. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد، گفتمان اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری از مفاهیم هنجاری به سمت مفاهیم ساختاری تحول یافته است. بر این اساس، واژگان اعتماد، انسجام و همبستگی و پایداری که در دوره نخست پررنگ هستند، در دوره سوم به شدت کم‌رنگ می‌شوند. همچنین، توجه به واژگان پلتفرم، داده و الگوریتم در دوره دوم آغاز می‌شود و تأکید بر این واژگان در دوره سوم به صورت شتابان و انفجاری رشد کرده است. به موازات این موضوع، توجه به واژگان سرمایه‌داری، استثمار و پارادوکس در دوره سوم بیشتر شده که نشانگر تسلط گفتمان انتقادی در حوزه اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری است. به سخن بهتر، نوعی گذار در مفاهیم اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری اتفاق افتاده که این گذار از گفتمان اجتماعی-اخلاقی به گفتمان سرمایه‌داری-تکنوکراتیک و فناورانه در فضای کالبدی و حکمروایی شهری بوده است. این امر به کانون گفتمان انتقادی تبدیل شده است.

جدول ۴- سیر تحول دال‌های مرکزی و استعاره‌های شناختی اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری

دوره تحول	بازه زمانی	دال‌های مرکزی	استعاره‌های شناختی غالب زبانی	گفتمان و مضمون پنهان
آرمان‌شهر مشترکات	۲۰۰۴-۲۰۱۰	اشتراک‌گذاری اجتماعی، کالاهای مشترک، مصرف به‌اشتراک‌گذاری‌شده	اقتصاد به مثابه خانواده؛ اشتراک‌گذاری دوستانه	تمرکز بر غیربازاری بودن و اعتماد؛ تأکید بر اخلاق‌گرایی شبکه-ای؛ مطرح کردن دسترسی به جای مالکیت از راه بسط مصرف به‌اشتراک‌گذاری‌شده؛ مطرح‌شدن اشتراک‌گذاری به مثابه شیوه‌ای از تولید اقتصادی
نهادگرایی و شهر هوشمند	۲۰۱۲-۲۰۱۶	دسترسی، شهر به‌اشتراک‌گذاری‌شده، پایداری شهری، سرمایه‌داری مبتنی بر جمعیت	شهر به مثابه سرویس، دسترسی بدیل مالکیت، هم‌افزایی هوشمند	تغییر دال از مالکیت به دسترسی؛ تثبیت استعاره مصرف مبتنی بر دسترسی در فضای شهر؛ تبدیل پایداری به استعاره‌ای تکنوکراتیک برای مدیریت شهری
سرمایه‌داری پلتفرمی	۲۰۲۱ به بعد	داده‌کاوی، کار نامرئی، کار نهادی، گسترش و تسلط پلتفرم‌ها، وعده در برابر واقعیت	پلتفرم به مثابه ماشین استخراج، اقتصاد گیگ، جامعه پلتفرمی، نئولیبرالیسم تقویت‌شده	کم‌رنگ‌شدن و زوال آرمان‌گرایی و تسلط گفتمان انتقادی؛ بر ساخت‌شدن استعاره‌های سرمایه‌داری و جامعه پلتفرمی؛ تمرکز بر استثمار و بازتولید نابرابری؛ بازترسیم مرزهای گفتمانی؛ تأکید بر حکمروایی فعال

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

سطح عمل گفتمانی؛ تولید، بازتولید و شبکه‌های بینامتنی

تمرکز اصلی عمل گفتمانی فرایندهای بر تولید، توزیع و

مصرف متون است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، گفتمان اقتصاد به‌اشتراک‌گذاری‌شده شهری از راه یک شبکه بینامتنی پیچیده

بازتولید شده است. این شبکه بینامتنی میان دانشگاه، سیاست‌گذاری و بخش خصوصی است. نحوه ارجاع متون به یکدیگر بیانگر یک زنجیره معنایی است. در این زنجیره معنایی، مفاهیم نظری دانشگاهی به ابزارهای سیاست‌گذاری تبدیل شده‌اند؛ پس از آن، نهادهای حکمروایی شهری نسبت به تثبیت این ابزارها اقدام کرده‌اند. اسناد سیاستی در دوره دوم (۲۰۱۲-۲۰۱۶) از منابع تولیدشده در دوره نخست استخراج شده‌اند؛ چنانچه نقش اسناد سیاستی بر مصرف و تثبیت منابع دانشگاهی متمرکز بوده است. با وجود این، در دوره سوم، دانشگاه به سمت تولید متون و انتقادی حرکت کرده و به این وسیله، تلاش کرده است انحصار سیاست‌گذاران بر تعریف اقتصاد به اشتراک گذاری شده شهری را با چالش‌های جدی مواجه کند. همچنان که جدول (۵) نشان می‌دهد، سند سیاستی **کداگونه و مارتنز (۲۰۱۶)** برای کمیسیون اروپا نمایانگر تثبیت گفتمان نئولیبرال در سطح جهانی است. این سند بر مبنای پژوهش **باتسمن و راجرز (۲۰۱۰)** استخراج شده است. تلاش این سند بر آن است تا اقتصاد به اشتراک گذاشته شده را به عنوان یک چالش حقوقی برای شهرها تعریف نکند، بلکه به مثابه یک فرصت برای بازار به آن بنگرد. در شبکه بینامتنی، برخی از متون به دنبال آن هستند که هژمونی گفتمانی را دچار چالش کنند و

آن را به هم بریزند. در این راستا، **توماس شولز (۲۰۱۶)** با مطرح کردن مفهوم پلتفرم تعاونی، به طور مستقیم گفتمان شرکت‌های بزرگ فناوری را نقد کرده است. او با برقراری ارتباطی بینامتنی انتقادی با این گفتمان، به‌وضوح نشان داده است پلتفرم‌های سرمایه‌دارانه ارزش‌های اشتراک‌گذاری را مصادره کرده‌اند. **فرنکن و شور (۲۰۱۷)** به بازترسیم مرزهای گفتمانی مبادرت کرده‌اند. در این راستا، آنها بین اشتراک‌گذاری واقعی (دسترسی موقت به ظرفیت مازاد) و اقتصاد تقاضا/گیگ (مانند اوبر) تمایز قائل شده‌اند. از دیدگاه آنها، بسیاری از پلتفرم‌ها فقط به مثابه واسطه‌های بازار به حساب می‌آیند و هیچ‌گونه اشتراک‌گذاری واقعی در آنها اتفاق نمی‌افتد. این کنش گفتمانی به مثابه تلاش دانشگاهی تلقی می‌شود که در جست‌وجوی بازپس‌گیری معنای اشتراک‌گذاری از سیاست‌گذاران نئولیبرال است. افزون بر این، **زوولسکا و همکاران (۲۰۱۹)** مفهوم کار نهادی را مطرح کرده‌اند. هدف آنها از مطرح کردن این مفهوم این است که نشان دهند سازمان‌های دخیل در تحقق‌پذیری اقتصاد به اشتراک‌گذاری شده شهری نمی‌توانند با نهادهای موجود منطبق شوند؛ زیرا این سازمان‌ها در جست‌وجوی تغییر قواعد بازی در فضای شهری هستند، و از این رو، نهادهای سنتی مدیریت شهری را مختل می‌کنند.

جدول ۵- شبکه بینامتنی و جریان قدرت از دانشگاهی تا سیاست‌گذاری اقتصاد به اشتراک‌گذاری شده شهری

جریان گفتمانی	منابع تولیدکننده (دانشگاهی)	منابع مصرف‌کننده - تثبیت‌کننده (سیاستی)	ماهیت تعامل و پیامد گفتمانی در فضای شهری
تجاری‌سازی و آینده‌پژوهی	باتسمن و راجرز (۲۰۱۰)؛ بنکлер (۲۰۰۴)	گانسکی (۲۰۱۰)؛ کداگونه و مارتنز (۲۰۱۶)	دانشگاه به صورت نظری مفاهیم را تعریف کرده، گانسکی از دیدگاه تجاری به این موضوع رسیدگی کرده و سند اروپایی از دیدگاه رشد اقتصادی برای شهرها آن را بومی‌سازی کرده است.
چالش‌های حقوقی و مقرراتی	باردی و اکهارت (۲۰۱۲)؛ مکلارن و آگیمن (۲۰۱۵)	دیویدسون و اینفرانکا (۲۰۱۶)؛ شولز (۲۰۱۶)	تمرکز دانشگاه بر شناسایی خلأهای قانونی و تضادهای آن با مقررات شهری موجود است، اما اسناد سیاستی به دنبال مدیریت فضای شهری از راه پلتفرم‌های تعاونی یا چارچوب‌های نظارتی هستند.
نقد ساختاری و پارادوکس‌ها	آکوتر و همکاران (۲۰۱۷)؛ فرنکن و شور (۲۰۱۷)؛ مارتین (۲۰۱۶)	زوولسکا و همکاران (۲۰۱۹)	دانشگاه در حال کالبدشکافی و رمزگشایی از وعده‌ها و تناقض‌ها است؛ متناسب با آن، اسناد سیاستی متأخر مجبور به پذیرش واقعیت‌های جدید می‌شوند. این واقعیت‌ها بر کاربست نقش حکمروایی فعال و تنظیم‌گری در مقابل انحصار پلتفرم‌ها تأکید می‌کند.

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

سطح عمل اجتماعی: اقتصاد سیاسی فضا و نبرد ایدئولوژیک

بر اساس یافته‌های پژوهش، در سطح عمل اجتماعی، تحول گفتمان اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری نشانگر چندین تحول بزرگ است؛ این تحولات به پویایی‌های حاکم بر اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری، از نئولیبرالیسم تا سرمایه‌داری نظارتی ردیابی می‌شوند. تحلیل سطح عمل اجتماعی بیانگر آن است که گفتمان اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری روابط قدرت در فضای شهری را دچار تحول و آنها را بازتولید کرده است. بازتولید روابط قدرت در فضای شهری از دو محور اصلی قابل تحلیل است:

نخست: از انسجام سستی شهری تا استخراج داده‌های پلتفرمی: گفتمان اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری یک چرخش ایدئولوژیک را تجربه کرده و این چرخش در تقابل با ارزش‌های سستی و معاصر شهری قابل مشاهده است. در ابتدا، سعی گفتمان اشتراک‌گذاری بر آن بود تا در برابر مصرف‌گرایی مدرن مقاومت کند و در راستای این موضوع به دنبال بازتولید ارزش‌های سستی از جمله احیای همسایگی، تقویت اعتماد محلی و استفاده بهینه از منابع راکد شهری بود. در این راستا، **بلک (۲۰۱۰)** بر احساس به‌اشتراک گذاشته‌شده تأکید می‌کند که یک پدیده اجتماعی و روان‌شناختی در فضای شهری است. به موازات این امر، **هاماری و همکاران (۲۰۱۶)** در تحلیل مشارکت مردمی، بر این موضوع متمرکز شده‌اند که ارزش‌های اجتماعی و محیط‌زیستی بر انگیزه‌های اولیه کاربران در مشارکت تأثیر بیشتری دارند. **بنکلی (۲۰۰۴)**، از دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، مفهوم کالاهای به‌اشتراک گذاشته‌شده را تحلیل و اشتراک‌گذاری را به مثابه شیوه تولید اقتصادی مطرح کرده است. از دیدگاه او، این شیوه تولید در تقابل با بازار و سلسله‌مراتب قرار دارد. با وجود این، در سیر تحول گفتمان اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری، این ارزش‌ها به تدریج کم‌رنگ شدند و تحت تسلط منطق سرمایه‌داری پلتفرمی قرار گرفتند. در این راستا، **سوندارا راجان (۲۰۱۶)** مفهوم ظهور سرمایه‌داری مبتنی بر جمعیت را مطرح کرده است. او نشان داده است منطق بازار بر فضای شهری مسلط شده و آن را به یک بازار عظیم بدون اصطکاک تغییر داده است. در این گفتمان

جدید، نقش شهروند شهری نیز دچار تغییر و تحول شده است؛ چنانچه حقوق شهری دچار نوعی تقلیل‌گرایی شده است و حقوق شهروند به یک کارگر گیگ تقلیل پیدا کرده است. در این راستا، **مارتین (۲۰۱۶)** به وضوح تأکید کرده است اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری به سوی تحقق هدف‌های شهر پایدار حرکت نکرده است، بلکه به کابوسی از سرمایه‌داری نئولیبرال تبدیل شده است؛ زیرا این اقتصاد خدمات عمومی شهری را دگرگون کرده و در معرض کالایی‌سازی قرار داده است. این امر بیانگر هسته مرکزی تحول در سطح عمل اجتماعی گفتمان اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری است؛ به طوری گفتمان از پایداری محیطی به سمت استثمار نئولیبرال حرکت کرده است.

دوم: حکمروایی شهری در عصر جامعه پلتفرمی و بازتولید روابط قدرت: بر اساس یافته‌های سطح اجتماعی، تحول گفتمان اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری تأثیری بارز بر الگوی حکمروایی شهری گذاشته است. در این تحول، شهرها به عنوان فضای فیزیکی برای تبادلات اقتصادی شناخته نمی‌شوند، بلکه به عنوان فضای زیرساخت‌های استخراج داده مطرح شده‌اند. در این راستا، **ون دایک و همکاران (۲۰۱۸)** بر جامعه پلتفرمی تأکید کرده و نشان داده‌اند منطق داده‌مبنا چالش‌های جدی برای ارزش‌های عمومی از جمله عدالت فضایی، دسترسی همگانی و برابری ایجاد کرده است. به همین علت، جایگاه شهروند به یک کاربر تولیدکننده داده تقلیل پیدا کرده است. به موازات این تحلیل، **سرنیچک (۲۰۱۷)** مفهوم سرمایه‌داری پلتفرمی را مطرح کرده است. از دیدگاه او، پلتفرم‌ها به عنوان زیرساخت‌های واسطه‌ای عمل می‌کنند؛ به این معنا که این پلتفرم‌ها ارزش را از کاربران شهری استخراج و آن را در انحصار شرکت‌های بزرگ فناوری متمرکز می‌کنند. بر این اساس، حاکمیت شهروندان بر فضا تضعیف می‌شود و فضا در تسلط صاحبان پلتفرم‌هایی قرار می‌گیرد که داده‌های آن فضا را استخراج می‌کنند. **مونت و همکاران (۲۰۲۰)** به واکاوی حکمروایی در اقتصاد به‌اشتراک گذاشته‌شده شهری توجه داشته‌اند. بر اساس تحلیل آنها، الگوی حکمروایی شهرها دچار تحولاتی عمیق شده است؛ به طوری که در دوره دوم، بر تسهیل‌گری تأکید شده، اما در

و قدرت زیاد الگوریتم‌های تجاری، تراژدی منابع مشترک در سطحی بالاتر تکرار می‌شود. به سخن بهتر، وعده استرومی دوره اول، در دوره سوم به ضد خود تبدیل خواهد شد. پیشگیری از این موضوع مستلزم تقویت و استقرار نهادهای تنظیم‌گر شهری فراتر از پلتفرم است.

به سخن بهتر، تجلی این گفتمان در دوره سوم به نفی آرمان‌های اولیه و حتی تبدیل این آرمان‌ها به نقطه مقابل خویش انجامیده است؛ به این معنا که انحصارهای چندگانه ایجاد شده‌اند و در نتیجه، دسترسی به فضای شهری به کالایی کمیاب و گران‌قیمت تبدیل شده است. برای مثال، وعده کاهش بار ترافیکی و استفاده مطلوب از فضای شهری موجب افزایش گردشگری و فشار بر زیرساخت‌های محله‌های آسیب‌پذیر می‌شود. علاوه بر این، یکی از بحران‌های بارز شهرهای کنونی مدیریت منابع آبی است. در این راستا، مفهوم آب مجازی بیانگر آن است که منطق سود شخصی ممکن است به تخریب و زوال منابع محلی منجر شود. آب مجازی به آبی اطلاق می‌شود که در فرایند تولید یک کالا مصرف می‌شود. هنگامی که تولیدکنندگان فقط با هدف به حداکثر رساندن سود شخصی و بدون در نظر گرفتن حد بهینه اجتماعی، به تولید کالاها در مناطق دارای بحران آبی اقدام و از راه تجارت جهانی آن را به سایر مناطق صادر می‌کنند، به طور عملی، آب محدود آن منطقه را به خارج از منطقه منتقل می‌کنند. نتیجه این فرایند محروم شدن اجتماع محلی از دسترسی به آب آشامیدنی است. از این وضعیت به نوعی تراژدی منابع مشترک تعبیر می‌شود، با این تفاوت بارز که برخلاف الگوی استروم، نهاد محلی مؤثری برای نظارت و پایش رفتار تولیدکنندگان وجود ندارد. از طرف دیگر، مصرف‌کننده نهایی که در فاصله جغرافیایی دوری قرار گرفته است، از پیامدهای زیان‌آور مصرف خود بر منابع آبی منطقه آبی مبدأ اطلاعی ندارد. این مثال به وضوح نشانگر آن است که انحصار اطلاعات و قدرت تحت تسلط الگوریتم‌ها و پلتفرم‌های تجاری تا چه حد فراتر از ظرفیت نهادهای محلی برای مدیریت پایدار منابع است. در نتیجه، ضرورت بازاندیشی در ساختارهای حکمرانی فرامحلی به شدت احساس می‌شود، در عین حال که باید نسبت به ایجاد و توسعه نهادهای تنظیم‌گر در سطحی بالاتر از پلتفرم اقدامات لازم صورت گیرد. در این نقطه، سیر

دوره سوم، تنظیم‌گیری سختگیرانه جایگزین تسهیل‌گری شده است. **مکان و آگین (۲۰۱۵) و کوهن و مونوز (۲۰۱۶)** گفتمان شهر به اشتراک گذاشته شده را مطرح کرده‌اند، با این هدف که حکمروایی شهری را به سمت تحقق پایداری تشویق کنند، اما در دوره سوم، منطق سرمایه‌داری تحقق این هدف را با چالش‌های زیادی مواجه کرده است. بر همین اساس است که **شور و والاس (۲۰۲۱)** تقابل وعده و واقعیت را به عنوان یک موضوع مهم در گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری مطرح کرده‌اند. بر اساس تحلیل آنها، این گفتمان نتوانسته است وعده‌های اولیه خود برای تغییر الگوی مصرف شهری را تحقق بخشد، بلکه به یک ساختار اقتصادی تبدیل شده است. در این ساختار اقتصادی، وعده‌های رهایی‌بخش اولیه (از جمله دموکراتیزه کردن فضا، توانمندسازی و مقتدرسازی اقشار گوناگون شهری) به فراموشی سپرده شده و با واقعیت‌های نامناسب دیگری از جمله از بین رفتن امنیت شغلی، تمرکز ثروت و امکانات، و تبعیض الگوریتمی در فضای شهری جایگزین شده‌اند. در همین راستا، **آکوئر و همکاران (۲۰۱۷)** از وعده‌ها و تناقض‌ها رمزگشایی کرده‌اند و نشان داده‌اند پارادوکس‌های ذاتی گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری موجب بازتولید نابرابری‌های فضایی شهری شده‌اند. افزون بر این، روند دیالکتیکی بالا تحول‌هایی بارز برای شهرهای در حال توسعه و وابسته به اقتصاد کشاورزی ایجاد می‌کند. از جمله این تحولات می‌توان به شکل‌گیری بستی برای استخراج ارزش از فضاهای محلی و انتقال آن به فراتر از مرزهای شهری اشاره کرد. این موضوع در نهایت به تضعیف جایگاه گروه‌های فقیر و کم‌درآمد و بیرون رانده شدن آنها از بافت مرکزی شهرها منجر خواهد شد. همین‌طور، تحلیل نتایج پژوهش حاضر با نظریه منابع مشترک استروم (به مثابه یکی از نظریه‌های پایه‌ای به اشتراک گذاشته شده) بیانگر نکاتی مهم است؛ چنانچه نظریه استروم مبتنی بر منابع محدود و یک اکوسیستم بسته است، در حالی که اقتصاد به اشتراک گذاشته شده یک پدیده چندوجهی و مبتنی بر دارایی‌های ملموس و داده‌ها در یک اکوسیستم باز و سیال است. با وجود این، در فضای شهری پلتفرم مبنای امکان تحقق اصول هشت‌گانه استروم مانند شفافیت اولیه، نظارت کاربران و تحریم‌ها وجود ندارد؛ زیرا به علت انحصار اطلاعات

دیالکتیکی گفتمان به ضد خود تبدیل می‌شود؛ به گونه‌ای که مفهوم اشتراک‌گذاری که با هدف تقلیل مشکلات مالکیت خصوصی و توزیع عادلانه منابع مطرح شده بود، اکنون به ابزاری برای تمرکز ثروت، انحصار داده‌ها و تثبیت داده‌سالاری تبدیل شده است.

تحلیل تطبیقی تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته‌شده شهری

بر مبنای یافته‌های حاصل از تحلیل تطبیقی تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته‌شده شهری، روند تاریخی این گفتمان سه دوره متمایز را تجربه کرده است. هر دوره منعکس‌کننده یک چرخش ایدئولوژیک خاص در اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری است. این دوره‌های متمایز تحول گفتمان عبارت‌اند از:

دوره نخست: ظهور گفتمان و آرمان‌شهر مشترکات (۲۰۰۴-۲۰۱۰): گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته‌شده شهری در این دوره با مقاله **بنک‌لر (۲۰۰۴)** شروع شده و با آثاری مانند **باتسمن و راجرز (۲۰۱۰)** و **گانسکی (۲۰۱۰)** تداوم پیدا کرده است. در سطح متنی، مهم‌ترین دال‌های مرکزی دوره نخست عبارت‌اند از: اشتراک‌گذاری اجتماعی، کالاهای به اشتراک گذاشته‌شده و مصرف به اشتراک گذاشته‌شده. همچنین، استعاره‌های غالب شامل اقتصاد به مثابه خانواده و اشتراک‌گذاری دوستانه هستند. این موضوع بیانگر آن است که گفتمان در مقام نوعی ضدگفتمان در مقابل مصرف‌گرایی مدرن و منطق غالب بازار مطرح شده است. با وجود این، تحلیل سطح گفتمانی به‌وضوح نمایان می‌کند که چرا این آرمان‌شهر نتوانسته است در مقابل سرمایه‌داری تأثیرگذار باشد؛ زیرا شبکه بینامتنی این دوره نتوانسته است یک نهاد سیاست‌گذار تثبیت‌کننده را تشکیل دهد و فقط در سطح دانشگاهی و کنشگری مدنی ایفای نقش کرده است. **بنک‌لر (۲۰۰۴)** به تعریف اشتراک‌گذاری با محوریت تقابل با بازار و سلسله‌مراتب مبادرت کرده است. این تعریف تقابلی فضایی مساعد برای جذب آن توسط بازار ایجاد کرده است؛ زیرا هر زمان گفتمانی فقط در تقابل با ساختار موجود اعلام موجودیت کند و در عین حال نتواند بدیل نهادی قابل عملیاتی را ارائه دهد، در نخستین تقابل با قدرت اقتصادی، یا جذب یا خنثی می‌شود. همچنین، در سطح عمل اجتماعی، این دوره مفاهیمی

مانند سرمایه اجتماعی و اعتماد بین‌فردی را مطرح کرده است که **بلک (۲۰۱۰)** آنها را تحت احساس به اشتراک گذاشته‌شده مفهوم‌سازی کرده است. با وجود این، تحلیل انتقادی نشانگر آن است که ساختار نهادی و حکمروایی مشخصی برای تحقق این مفاهیم مطرح نشده است؛ از این رو، در دوره‌های بعد، پلتفرم‌های تجاری مفاهیم سرمایه اجتماعی و اعتماد بین‌فردی را تصاحب کرده و به خدمت منطق بازار درآورده‌اند. به عبارت دیگر، آنچه در این دوره به عنوان اعتماد مورد توجه قرار گرفته است، در دوره دوم به رتبه‌بندی الگوریتمی و در دوره سوم به پایش داده‌ای تبدیل شده است. این تحولات آشکار می‌کند آرمان‌شهر مشترکات به علت نبود چارچوب حکمروایی فعال در مقابل هژمونی نئولیبرال به شدت آسیب‌پذیر بوده است.

دوره دوم: نهادگرایی و شهر هوشمند (۲۰۱۲-۲۰۱۶): آثار فراوانی در شکل‌گیری این دوره نقش دارند. با وجود این، دوره دوم با مقاله **باردی و اکهارت (۲۰۱۲)** آغاز شده است. تداوم این دوره مدیون تلاش‌های نویسندگانی از جمله **مکلارن و آگین (۲۰۱۵)**، **دیویدسون و اینفرانکا (۲۰۱۶)**، **شولز (۲۰۱۶)**، **مارتین (۲۰۱۶)**، **سونداراراجان (۲۰۱۶)**، **هاماری و همکاران (۲۰۱۶)**، **کداگونه و مارتنز (۲۰۱۶)** و **کوهن و مونوز (۲۰۱۶)** است. در سطح متنی، چرخش زبانی از اشتراک‌گذاری به دسترسی صورت گرفته است. این موضوع یک تغییر واژگانی به حساب نمی‌آید، بلکه نمایانگر یک چرخش مفهومی عمیق است. **باردی و اکهارت (۲۰۱۲)** با جایگزین کردن دسترسی موقت به جای مالکیت، نخستین شکاف گفتمانی را به وجود آوردند؛ به گونه‌ای که بار اجتماعی و اخلاقی اشتراک‌گذاری را تضعیف کردند و جایگاه آن را به سطح یک مدل مصرفی تقلیل دادند. این شکاف گفتمانی زمینه زبانی مساعدی برای ورود پلتفرم‌های تجاری به فضای شهری را فراهم کرد. در سطح عمل گفتمانی، تحلیل بینامتنی بیانگر آن است که سند سیاستی **کداگونه و مارتنز (۲۰۱۶)** از گفتمان آرمانی دوره نخست عبور کرده و آن را به فرصت رشد اقتصادی تغییر داده است. به این وسیله، این سند بار انتقادی و ضدبازاری اشتراک‌گذاری را خنثی کرده است. این سند به مثابه نوعی تثبیت هژمونیک در چارچوب فرکلاف به حساب می‌آید؛ به این معنا که دانشگاه به

تولید مفهوم اقدام می‌کند، در عین حال، سیاست‌گذار آن را در راستای منافع سرمایه بازتعریف و تثبیت می‌کند. در سطح عمل اجتماعی، این دوره نمایانگر چرخش مهم نئولیبرال است که به سمت تکنوکراسی شهری گرایش پیدا کرده است. در این راستا، **مکلارن و آگین (۲۰۱۵)** استعاره شهر به مثابه سرویس را مطرح کردند. به این وسیله، آنها مفهوم پایداری را از یک مفهوم اجتماعی و اخلاقی تغییر دادند و آن را به یک شاخص تکنوکراتیک مدیریت شهری تبدیل کردند. به تناسب این تغییرات، دال‌های مرکزی جدیدی شکل می‌گیرند که از جمله آنها می‌توان به دسترسی، پلتفرم، شهر به اشتراک گذاشته شده و سرمایه‌داری مبتنی بر جمعیت اشاره کرد. متناسب با این شرایط، استعاره‌های غالب گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری نیز تغییر می‌یابند و استعاره‌هایی از جمله شهر به مثابه سرویس، دسترسی جایگزین مالکیت و هم‌افزایی هوشمند مطرح می‌شوند. از این رو، بازیگرانی جدید در فضای شهری نمایان می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به پلتفرم‌های فناوری، سیاست‌گذاران شهری و کارآفرینان خرد اشاره کرد. روابط قدرت جدید در فضای شهری بر اساس چالش‌های حقوقی و مقرراتی در حال شکل‌گیری هستند. رویکرد سیاست‌گذاری در این دوره بر مبنای تثبیت گفتمان نئولیبرال و تنظیم‌زدایی است. پیامدهایی خاص در این دوره ظاهر شده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها کالایی‌سازی خدمات شهری و نمایان شدن چالش‌های حقوقی در اجتماعات و محله‌های شهری است. **مارتین (۲۰۱۶)** نخستین انتقاد جدی را در این دوره مطرح کرده است؛ چنانچه تأکید کرده اقتصاد به اشتراک گذاشته شده از توجه به هدف‌های پایداری غفلت کرده و بیشتر به سمت کالایی‌سازی خدمات عمومی شهری حرکت کرده است. بر این اساس، دوره دوم به عنوان یک مصادره گفتمانی قابل بررسی و تحلیل است؛ به این معنا که وعده‌های آرمانی دوره نخست به وسیله منطق بازار جذب و بازتعریف شده‌اند.

دوره سوم: هژمونی و سرمایه‌داری پلتفرمی (۲۰۱۷-۲۰۲۱): نویسندگان فراوانی در شکل‌گیری گفتمان این دوره نقش دارند که از جمله آنها می‌توان به **فرنکن و شور (۲۰۱۷)**، **آکوئر و همکاران (۲۰۱۷)**، **سرنیچک (۲۰۱۷)**، **ون دایک و همکاران (۲۰۱۸)**، **زوولسکا و همکاران (۲۰۱۹)**، **مونت و همکاران**

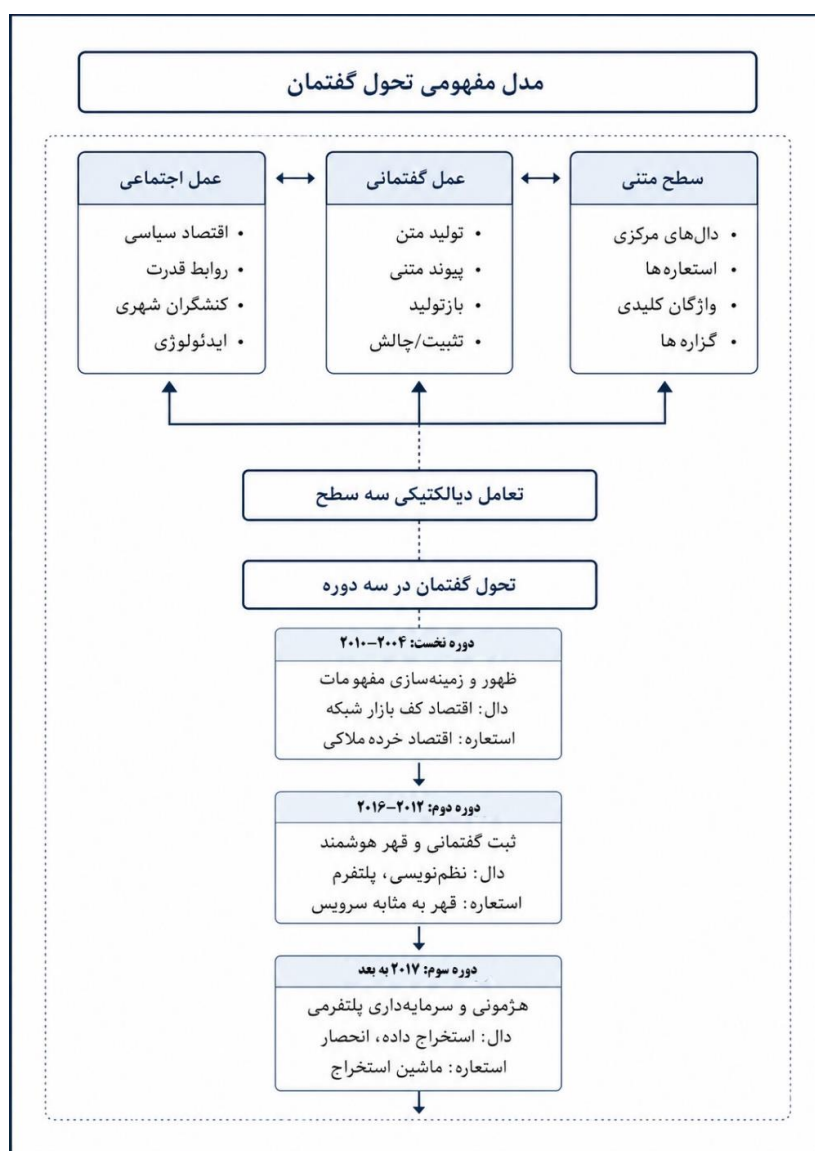
(۲۰۲۰) و **شور و والاس (۲۰۲۱)** اشاره کرد. گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری در این دوره تحولاتی چشمگیر را تجربه کرده است؛ چنانچه به یک هژمونی سرمایه‌دارانه تبدیل شده است که توسط غول‌های بزرگ فناوری کنترل می‌شود. متناسب با آن، دال‌های مرکزی نیز تغییر یافته‌اند؛ به طوری که داده‌کاوی، کار نامرئی و شناور، انحصارگرایی، نظارت، پلتفرمیسم، وعده و واقعیت و کار نهادی به مهم‌ترین دال‌های مرکزی این دوره تبدیل شده‌اند. متناسب با این تحولات در گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری، استعاره‌هایی جدید نیز نمایان شده‌اند. از مهم‌ترین این استعاره‌ها می‌توان به پلتفرم به مثابه ماشین استخراج، اقتصاد گیگ، محاصره داده‌ها و جامعه پلتفرمی اشاره کرد. بازیگرانی جدید در این فضا ظاهر شده‌اند؛ به طوری که غول‌های بزرگ فناوری، کارگران گیگ و تنظیم‌گران سخت‌گیر به بازیگران اصلی اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری در این دوره تبدیل شده‌اند. روابط قدرت نیز تغییراتی بنیادین را تجربه کرده‌اند؛ به طوری که انحصار داده‌ها و الگوریتم‌ها قدرت را به شدت در دست غول‌های بزرگ فناوری متمرکز کرده است. رویکرد سیاست‌گذاری شهری بر اساس تنظیم‌گری سخت‌گیرانه و حکمروایی فعال است. این تحولات پیامدهای زیادی بر فضای شهری تحمیل کرده است که از جمله این پیامدها می‌توان به تسلط داده‌های شهری، تبعیض الگوریتمی، از بین رفتن امنیت شغلی و چالش حق به شهر اشاره کرد.

مدل مفهومی تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری

مدل مفهومی تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری بر مبنای یافته‌های مربوط به تحلیل سه بُعدی فرکلاف و تحلیل تطبیقی تاریخی ارائه شده است (**شکل ۲**). مدل ارائه شده به صورت دیالکتیکی و غیرخطی است؛ چنانچه نمایانگر تحول گفتمان در سه دوره تاریخی است و اینکه سه سطح تحلیل در تعامل با یکدیگر موجب تحولات گفتمان شده‌اند. این مدل در سطح متنی، با نمایش تغییرات زبانی و مفهومی از دال‌های اشتراک‌گذاری اجتماعی در دوره نخست تا دال‌های دسترسی در دوره دوم و دال‌های داده‌کاوی در دوره سوم، به شناخت

است. این مدل مبنایی قدرتمند برای کالبدشکافی و رمزگشایی از پویایی‌های پنهان قدرت در اقتصاد شهری و حکمروایی شهری را ارائه کرده است. همین‌طور، بیانگر این است که چگونه گفتمان در تعامل دیالکتیکی با تغییرات و چرخش‌های ایدئولوژیک غالب تکامل یافته و بازاندیشی شده است. تحلیل سه دوره تاریخی گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاشته شده شهری یک سیر دیالکتیکی و پراز تناقض را به نمایش گذاشته است. در این سیر تاریخی، وعده‌های رهایی‌بخش اولیه (دوره‌های نخست و دوم) به سرعت جایگزین می‌شوند؛ چنانچه واقعیت‌های تلخ استثمار و انحصار (دوره سوم) جایگزین آنها شده‌اند.

پویایی‌های زبانی کمک می‌کند. همچنین، این مدل در سطح گفتمانی، مراحل تولید گفتمان توسط دانشگاه، تثبیت آن به وسیله حوزه سیاست‌گذاری و در نهایت، به چالش کشیدن آن توسط دانشگاه را نشان می‌دهد. در نهایت، این مدل در سطح اجتماعی، تکامل گفتمان تحت تأثیر اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری را به تصویر می‌کشد. بر مبنای تعامل دیالکتیکی سه سطح، تغییر در یک سطح موجب تحول در دو سطح دیگر می‌شود. برای مثال، تغییر دال‌ها در سطح متنی (افول اعتماد و رشد پلتفرم) ماحصل تغییر در شبکه‌های بینامتنی (تثبیت گفتمان نئولیبرال توسط اسناد اروپایی) است. این امر به نوبه خود نمایانگر تحولات سرمایه‌داری جهانی (پیدایش سرمایه‌داری پلتفرمی)



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با واکاوی دیالکتیکی تحول گفتمان اقتصاد به اشتراک گذاری شده شهری بر اساس الگوی سه بعدی فرکلاف، نمایانگر آن است که این سیر تکاملی، مسیری خطی و مبتنی بر پیشرفت های فناورانه نیست، بلکه یک «میدان نبرد ایدئولوژیک» است که در آن، وعده های رهایی بخش و اخلاق مدار «آرمان شهر مشترکات»، طی یک فرایند بینامتنی پیچیده، ابتدا توسط سیاست گذاری های نئولیبرال «شهر هوشمند» خشی و در نهایت، به هژمونی «سرمایه داری پلتفرمی» مصادره شده اند. از لحاظ نظری، این یافته ها ثابت می کند تغییر رژیم های معنایی (از استعاره های اجتماع مبنا و اعتماد به ماشین های استخراج داده و اقتصاد گیگ) نشانگر چرخش های کلان در اقتصاد سیاسی سرمایه داری است. پایداری و ناپایداری این اقتصاد به صورت ساختاری و منوط به الگوی حکمروایی است. به بیان دیگر، شبکه بینامتنی میان دانشگاه و اسناد سیاستی ابتدا مفاهیم را برای کالایی شدن خدمات شهری مشروعیت داد. با وجود این، با ظهور پارادوکس هایی مانند انحصار داده و تبعیض الگوریتمی، گفتمان انتقادی به مثابه یک عنصر بازدارنده در مقابل تسلط شرکت های فناوری و بازپس گیری معنای اصیل اشتراک گذاری شکل گرفت.

از نظر کاربردی و سیاست گذاری شهری، این دگردیسی گفتمانی هشدار می بخشد برای مدیران و برنامه ریزان شهری است تا از خوش بینی فناورانه و رویکرد «تسهیل گری منفعل» فاصله بگیرند. واقعیت امروز شهرها نشان می دهد شهروند کنشگر دوره نخست به «کارگر گیگ» و «تولیدکننده رایگان داده» در دوره سوم تقلیل یافته است؛ از این رو، بازپس گیری «حق به شهر» و عدالت فضایی مستلزم گذار از حکمروایی بازارمحور به «حکمروایی فعال و تنظیم گری سخت گیرانه» بر الگوریتم ها و جریان داده ها است. در این مسیر، عملیاتی شدن حکمروایی فعال و بازپس گیری «حق به شهر» مستلزم شناخت و برطرف کردن موانع ساختاری مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم گیری و سیاست گذاری شهری و ارتقای پیشران های اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذاری واقعی آنها در مدیریت فضاهای شهری است (جمینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ جمینی و جمشیدی، ۱۴۰۳). بر این اساس، دستیابی به پایداری واقعی شهری نه از طریق انفعال در برابر پلتفرم های خصوصی، بلکه از طریق حمایت از بدیل هایی مانند «تعاونی های پلتفرمی» و ایجاد زیرساخت های داده ای عمومی امکان پذیر خواهد بود تا

ارزش های استخراج شده از فضای شهری مجدداً به نفع انسجام اجتماعی و مشترکات شهری بازتوزیع شوند. در راستای ارائه راهکارهای عینی و سیاستی، مدیران و نهادهای حکمروایی شهری باید از رویکرد تسهیل گری منفعل در مقابل پلتفرم های تجاری عبور و به سمت تنظیم گری فعال و سخت گیرانه الگوریتمی حرکت کنند. از جمله راهکارهای عملیاتی می توان به الزام پلتفرم ها به شفافیت الگوریتمی و ممیزی دوره ای کدهای برنامه نویسی توسط نهادهای ناظر شهری برای جلوگیری از تبعیض های فضایی و دستمزدی اشاره کرد. همچنین، شهرداری ها می توانند با ایجاد زیرساخت های داده ای عمومی و پلتفرم های متن باز شهری، مالکیت داده های تولید شده در فضای شهر را از انحصار شرکت های فناوری خارج کنند. افزون بر این، تخصیص مشوق های مالی، حقوقی و فضایی (مانند اعطای کاربری های خاص) به تعاونی های پلتفرمی و ابتکارات مردمی مبتنی بر مشترکات شهری راهکاری عینی برای بازتوزیع ارزش های استخراج شده به نفع شهروندان و احیای اعتماد و سرمایه اجتماعی در محله های شهری خواهد بود.

در خصوص پیشنهادهای مطالعاتی برای آینده، پژوهش های آتی می توانند با عبور از رویکرد صرفاً کیفی و گفتمانی، به سمت روش های ترکیبی و کمی حرکت کنند تا میزان آگاهی شهروندان از حقوق دیجیتال و ارزش واقعی داده های تولید شده توسط آنان در پلتفرم های شهری را بسنجند. همچنین، انجام مطالعات تطبیقی میان کلان شهرهای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در خصوص نحوه مواجهه نهادهای محلی با انحصار پلتفرم ها می تواند الگوهای بومی حکمروایی را غنا بخشد. علاوه بر این، واکاوی موردی چگونگی شکل گیری، بقا یا شکست تعاونی های پلتفرمی در بافت های خاص اجتماعی-اقتصادی و همچنین، بررسی تأثیر فناوری های نوظهور همچون هوش مصنوعی و اینترنت اشیا بر آینده مشترکات شهری از دیگر مسیرهای پژوهشی پیشنهادی است.

منابع

جمینی، داود؛ شمس الدینی، علی، و جمشیدی، علیرضا (۱۴۰۱). مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و تبیین تعیین کننده های آن (مورد مطالعه: شهر ایلام). فصلنامه مطالعات شهری، ۱۲، ۱۹-۳۰.

https://urbstudies.uok.ac.ir/article_62236.html

- Working Paper 2016/01, European Commission, JRC100369.
- Cohen, B., & Muñoz, P. (2016). Sharing cities and sustainable consumption and production: Towards an integrated framework. *Journal of Cleaner Production*, 134(Part A), 87-97. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2015.07.133>
- Daunorienne, A., Drakšaite, A., Snieska, V., & Valodkiene, G. (2015). Evaluating sustainability of sharing economy business models. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 213, 836-841. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.11.486>
- Davidson, N. M., & Infranca, J. J. (2016). The sharing economy as an urban phenomenon. *Yale Law & Policy Review*, 34(2), 215-279. <https://ssrn.com/abstract=2802907>
- Dehghan, R., & Dadashpoor, H. (2026). The evolution of spatial justice discourse in urban studies: A critical discourse analysis. *International Journal of Urban Sustainable Development*, 18(1), 92-112. <https://doi.org/10.1080/19463138.2026.2641854>
- De Jong, R., Schalk, R., & Cur,seu, P.L. (2008). Virtual communicating, conflicts and performance in teams. *Team Performance Management*, 14, 364-380. <https://doi.org/10.1108/13527590810912331>
- Eeckhout, J. (2021). *The profit paradox: How thriving firms threaten the future of work*. Princeton University Press: Princeton, NJ, USA.
- Enochsson, L., Voytenko Palgan, Y., Plepys, A., & Mont, O. (2021). Impacts of the sharing economy on urban sustainability: The perceptions of municipal governments and sharing organisations. *Sustainability*, 13(8), 4213. <https://doi.org/10.3390/su13084213>
- Ertz, M., & Leblanc-Proulx, S. (2018). Sustainability in the collaborative economy: A bibliometric analysis reveals emerging interest. *Journal of Cleaner Production*, 196, 1073-1085. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.06.095>
- Fairclough, N. (2013). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. Routledge.
- Frenken, K., & Schor, J. (2017). Putting the sharing economy into perspective. *Environmental Innovation and Societal Transitions*, 23, 3-10. <https://doi.org/10.1016/j.eist.2017.01.003>
- Fumagalli, A. (2025). Is platform capitalism socially sustainable?. *Sustainability*, 17, 7071. <https://doi.org/10.3390/su17157071>
- Gansky, L. (2010). *The mesh: Why the future of business is sharing*. New York: Penguin Publishing Group.
- Hamari, J., Sjöklint, M., & Ukkonen, A. (2016). The sharing economy: Why people participate in collaborative consumption. *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 67(9), 2047-2059. <https://doi.org/10.1002/asi.23552>
- جمینی، داود، و جمشیدی، علیرضا (۱۴۰۳). شناسایی مهم‌ترین موانع جلب مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی‌های شوراهای اسلامی شهر ایلام. *فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۵، ۵۳-۶۶. <https://doi.org/10.30495/jupm.2024.31791.4334>
- ### References
- Acquier, A., Daudigeos, T., & Pinkse, J. (2017). Promises and paradoxes of the sharing economy: An organizing framework. *Technological Forecasting and Social Change*, 125, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2017.07.006>
- Anttiroiko, A.-V. (2026). Lean urban regeneration through inclusion, sharing, and co-creation. *Urban Science*, 10(4), 209. <https://doi.org/10.3390/urbansci10040209>
- Bardhi, F., & Eckhardt, G. M. (2012). Access-based consumption: The case of car sharing. *Journal of Consumer Research*, 39(4), 881-898. <https://doi.org/10.1086/666376>
- Belk, R. (2010). Sharing. *Journal of Consumer Research*, 36(5), 715-734. <https://doi.org/10.1086/612649>
- Benkler, Y. (2004). Sharing nicely: On shareable goods and the emergence of sharing as a modality of economic production. *The Yale Law Journal*, 114(2), 273-358. <https://doi.org/10.2307/4135731>
- Botsman, R., & Rogers, R. (2010). *What's mine is yours: The rise of collaborative consumption*. Harper Business, New York.
- Barile, S., Ciasullo, M. Vi., Iandolo, F., & Landi, G. C. (2021). The city role in the sharing economy: Toward an integrated framework of practices and governance models. *Cities*, 119, 103409. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103409>
- Charitonidou, M. (2022). Urban commons as a bridge between the spatial and the social. In *The Palgrave encyclopedia of urban and regional futures*. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-51812-7_290-1
- Cao, J., Prior, J., Giurco, D. & Gu, D. (2023). Power relations are central to shaping collaborative governance of the urban sharing economy. *Humanities and Social Sciences Communications*, 10, 85. <https://doi.org/10.1057/s41599-023-01600-6>
- Chen, P., Wu, Y., & Chu, Z. (2025). Towards energy-efficient cities: How does the sharing economy contribute? *Energy*, 322, 135622. <https://doi.org/10.1016/j.energy.2025.135622>
- Codagnone, C., & Martens, B. (2016). *Scoping the sharing economy: Origins, definitions, impact and regulatory issues*. Institute for Prospective Technological Studies - Digital Economy

- <https://doi.org/10.1108/13527590710759865>.
- Palm, J., Södergren, K., & Bocken, N. (2019). The role of cities in the sharing economy: Exploring modes of governance in urban sharing practices. *Energies*, 12(2), 4737. <https://doi.org/10.3390/en12244737>
- Polko, A. (2024). Governing the urban commons: Lessons from Ostrom's work and commoning practice in cities. *Cities*, 155, 105476. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105476>
- Sankari, I. (2019). *Co-working space as workplace* [Ph.D. Thesis, Aalto University]. Espoo, Finland.
- Schor, J., & Vallas, S. P. (2021). The sharing economy: Rhetoric and reality. *Annual Review of Sociology*, 47(1). <https://doi.org/10.1146/annurev-soc-082620-031411>
- Scholz, T. (2016). *Platform cooperativism: Challenging the corporate sharing economy*. Rosa-Luxemburg-Stiftung: New York Offices.
- Srnicek, N. (2017). *Platform capitalism*. Polity Press.
- Sundararajan, A. (2016). *The sharing economy: The end of employment and the rise of crowd-based capitalism*. MIT Press
- van Dijck, J., Poell, T., & de Waal, M. (2018). *The platform society: Public values in a connective world*. Oxford University Press.
- Van Laerhoven, F., & Ostrom, E. (2007). Traditions and trends in the study of the commons. *International Journal of the Commons*, 1(1), 3-28. <https://www.jstor.org/stable/26522979>
- Zvolkska, L., Voytenko Palgan, Y., & Mont, O. (2019). How do sharing organisations create and disrupt institutions? Towards a framework for institutional work in the sharing economy. *Journal of Cleaner Production*, 219, 667-676. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.02.057>
- Hess, C. (2008). *Mapping the new commons* (July 1, 2008). (SSRN Scholarly Paper No. 1356835). <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1356835>
- Ivanova, D., Büchs, M., & Jack, T. (2026). Relational ownership in the sharing economy. *Consumption and Society*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1332/27528499Y2026D000000085>
- Jacobs, K. (2006). Discourse analysis and its utility for urban policy research. *Urban Policy and Research*, 24(1), 39-52. <https://doi.org/10.1080/08111140600590817>
- Jamini, D., & Jamshidi, A. (2024). Identifying the most important obstacles to citizen participation in the decision-making process of Islamic councils in Ilam. *Urban Research and Planning*, 15, 53-66. <https://doi.org/10.30495/jupm.2024.31791.4334> [In Persian]
- Jamini, D., Shamsoddini, A., & Jamshidi, A. (2022). Citizen participation in urban management and identifying its economic and social determinants (case study: Ilam city). *Motaleate Shahri*, 12, 19-30. <https://doi.org/10.34785/J011.2022.007> [In Persian]
- Langley, P., & Leyshon, A. (2017). Platform capitalism: The intermediation and capitalisation of digital economic circulation. *Finance and Society*, 3(1), 11-31. <https://doi.org/10.2218/fin soc.v3i1.1936>
- Liang, Y., Aroles, J., & Brandl, B. (2022). Charting platform capitalism: Definitions, concepts and ideologies. *New Technology, Work and Employment*, 37(2), 308-327. <https://doi.org/10.1111/ntwe.12234>
- Lundgren, R., Kyrö, R., & Jylhä, T. (2022). Access-based consumption in the built environment: Sharing spaces. *Sustainability*, 14(9), 5550. <https://doi.org/10.3390/su14095550>
- Martin, C. J. (2016). The sharing economy: A pathway to sustainability or a nightmarish form of neoliberal capitalism?. *Ecological Economics*, 121, 149-159. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2015.11.027>
- McLaren, D., & Agyeman, J. (2015). *Sharing cities: A case for truly smart and sustainable cities*. MIT Press.
- Mont, O. (Ed.). (2025). *Understanding the urban sharing economy: Sustainability and institutionalisation*. Edward Elgar Publishing.
- Mont, O., Voytenko Palgan, Y., Bradley, K., & Zvolkska, L. (2020). A decade of the sharing economy: Concepts, users, business and governance perspectives. *Journal of Cleaner Production*, 269, 122215. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.122215>
- Peters, L.M., & Manz, C.C. (2007). Identifying antecedents of virtual team collaboration. *Team Performance Management*, 13, 117-129.

ⁱ Urban Commons Theoryⁱⁱ Hessⁱⁱⁱ Access-Based Consumption Theory^{iv} Bardhi & Eckhardt^v Sankari^{vi} Benkler^{vii} Belk^{viii} Botsman & Rogers^{ix} Gansky^x McLaren & Agyeman^{xi} Hamari^{xii} Davidson & Infranca^{xiii} Codagnone & Martens^{xiv} Cohen & Muñoz^{xv} Martin^{xvi} Sundararajan^{xvii} Scholz^{xviii} Acquier^{xix} Frenken & Schor^{xx} Srnicek^{xxi} van Dijck^{xxii} Zvolkska

-
- xxiii Mont
xxiv Vallas
xxv Critical Discourse Analysis (CDA)
xxvi Fairclough's three-dimensional framework
xxvii Purposeful Sampling
xxviii Web of Science
xxix Scopus